



تبیین دنیوی مفاهیم اخروی؛ آفت فهم دین با رویکرد علوم جدید

مهم‌ترین آفت و آسیب در مطالعه دین با علوم جدید این است که بخواهیم جنبه‌های آخرتی يك مسئله یعنی وجوهی را که فهم ما در علوم تجربی به آن‌ها نمی‌رسد، با امور مادی و علمی جدید تبیین کنیم و به این وسیله از فهم پیام‌های متعالی و آسمانی دین بازمانیم.

مهم‌ترین آفت و آسیب در مطالعه دین با علوم جدید این است که بخواهیم جنبه‌های آخرتی يك مسئله یعنی وجوهی را که فهم ما در علوم تجربی به آن‌ها نمی‌رسد، با امور مادی و علمی جدید تبیین کنیم و به این وسیله از فهم پیام‌های متعالی و آسمانی دین بازمانیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود آذربایجانی، مدیرگروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، درباره فرصت‌ها و تهدیدهای دین‌شناسی علمی، در ابتدا به امکان دو گونه تلقی از دین‌شناسی علمی اشاره کرد و گفت: در معنای عام مراد از دین‌شناسی علمی می‌تواند این باشد که ما با استانداردهای علمی، به طور کلی به مطالعه دین بپردازیم. این تلقی از دین‌شناسی علمی، فقه و کلام و سایر معارف اسلامی را هم می‌تواند در برگیرد.

آذربایجانی اظهار کرد: برای مثال فقه برای علمی بودن نیازمند دین‌شناخت لازم خود است که در آن روشمندی علمی و شیوه‌های اجتهادی صحیح فقهی تعریف شود. بر این اساس دین‌شناسی علمی در يك تلقی و به معنایی که در خود متن دین از علم یاد شده است، استانداردهای لازم و روش‌های علمی متناسب با حوزه‌های معرفتی دینی را شامل می‌شود. این معنایی از دین‌شناسی علمی است که کاملاً مورد پذیرش و لازمه معرفت دینی است و محل بحث نیست.

مسعود آذربایجانی:

نمونه جدی مطالعه دین با استفاده از علوم جدید، آثار مرحوم بازرگان است که برای مثال سعی داشت احکام طهارت و نجاست را از طریق ویژگی‌های فیزیکی آب و تفاوت آب گر و آب غیرگر تبیین و اثبات کند

وی در مورد تلقی خاص از دین‌شناسی علمی که با استفاده از علوم جدید به مطالعه دین می‌پردازد، عنوان کرد: این که ما بخواهیم دین و معارف دین را با استفاده از علوم جدید، اعم از علوم طبیعی و علوم انسانی مطالعه کنیم، این حوزه و شیوه مطالعه دین می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه داشته باشد و می‌توان بررسی کرد که چه لغزش‌هایی می‌تواند در این مطالعات پدید آید و چه نقاط قوت و تکیه‌ای در این گونه مطالعات ممکن است وجود داشته باشد.

آذربایجانی برای روشن‌تر شدن این بحث به ذکر نمونه‌هایی از این شیوه مطالعه دین اشاره کرد و گفت: نمونه‌های جدی این بحث در زمینه علوم طبیعی در کشور ما، کارهای مرحوم بازرگان است که برای مثال سعی داشت احکام طهارت و نجاست را از طریق ویژگی‌های فیزیکی آب و تفاوت آب گر و آب غیرگر تبیین و اثبات کند. نمونه دیگر آن را می‌توانیم در آثار مرحوم پاک‌نژاد و به خصوص کتاب «؛اولین دانشگاه و آخرین پیامبر(ص)>> ببینیم. در آثار خارجی‌ها هم مشابه این کار در تفسیر طنطاوی یا تا حدی در کارهای مرحوم اقبال لاهوری وجود دارد که سعی می‌کنند از دستاوردهای علمی برای تبیین معارف دینی و قرآن و بحث‌های اسلامی استفاده کنند.

وجوه مثبت دین‌شناسی علمی

مدیرگروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه یکی از نقاط مثبت این پژوهش‌ها را سعی برای رفع تعارض علم و دین دانست و اظهار کرد: تلاش و سعی برای حل تعارض علم و دین و ایجاد نوعی آشتی و توافق و تفاهم میان دین و مباحث علمی جدید، نکته‌ای است که می‌تواند فی‌نفسه ارزشمند باشد و به عنوان نقطه قوت این‌گونه مطالعات مطرح شود.

وی تقویت گرایش به دین را در برخی سطوح اجتماعی و فکری به عنوان دومین ویژگی مثبت این مطالعات عنوان کرد و گفت: زبان علم زبانی است که برای جوانان و کسانی که با علوم جدید سر و کار دارند، جاذبه دارد. علاوه بر این، تبیینی که در قالب علوم جدید از دین و مباحث دینی صورت می‌گیرد، می‌تواند نوعی دفاع از دین باشد که این دفاع افراد را به سمت دین جذب و گرایش و رویکرد جدی‌تری را به دین ایجاد کند. در واقع این پژوهش‌ها می‌تواند در مخاطبان این احساس را پدید آورد که در دین هم مسائلی هست که با علم جدید وفق پیدا می‌کند و می‌تواند از آن‌ها استفاده کنند.

آفت‌های مطالعه دین با علوم جدید

آذربایجانی در مورد آفت‌هایی که مطالعه دین با علوم جدید داشته و یا می‌تواند داشته باشد، عنوان کرد: آنچه که باید به آن توجه کنیم، این است که ممکن است ما در این مطالعات دچار نوعی تقلیل‌گرایی شویم و بخواهیم پیام‌های دین و محتوای دین را گاهی در چارچوب تنگ و مضیق مباحث علمی قرار دهیم و با تحمیل و اجبار آن‌ها را متناسب‌سازی کنیم و به همین دلیل نتوانیم پیام‌ها و اهدافی را که در متون دینی هست، بفهمیم.

مسعود آذربایجانی:

تلاش و سعی برای حل تعارض علم و دین و ایجاد نوعی آشتی و توافق و تفاهم میان دین و مباحث علمی جدید، نکته‌ای است که می‌تواند فی‌نفسه ارزشمند باشد و به عنوان نقطه قوت این گونه مطالعات مطرح شود

این محقق و پژوهشگر دینی ادامه داد: بسیاری از موضوعات و مفاهیم دینی مانند غیب، جن، معجزات، ملکوت و ... هست که ما هنوز به آن‌ها علم نداریم و اگر این قبیل امور را محدود در موضوعات دنیوی کنیم، می‌تواند باعث شود که ما بلندی این مفاهیم و موضوعات را کلاً از دست بدهیم و پیام‌های متعالی و آسمانی دین را در نیابیم و مسائل دین را در حقیقت به امور دنیوی و مادی محدود کنیم.

وی در همین راستا افزود: آسیب دیگری که در این زمینه ممکن است پیش آید، این است که ما بخواهیم جنبه‌های آخرتی يك مسئله یعنی آن چیزهایی را که به خصوص فهم ما در مسائل علمی و علم تجربی به آن نمی‌رسد، با امور مادی و علمی تبیین کنیم. در این صورت مشکل جدی ما این خواهد بود که دین را در حقیقت از اهداف آن خارج کنیم و این مهم‌ترین آفت و مشکل در مطالعه دین با نگاه‌های علوم تجربی و علوم جدید است.

راهکار دچار نشدن به آفت‌های دین‌شناسی علمی: به کار گرفتن روش‌شناسی‌ای دوبخشی

آذربایجانی به کار گرفتن يك روش‌شناسی صحیح را راهکار دچار نشدن به آفت‌های مذکور دانست و اظهار کرد: روش‌شناسی صحیح برای این گونه مطالعات يك روش‌شناسی دو بخشی است که براساس آن ابتدا بایستی مفاهیم، پیام‌ها و آموزه‌های دینی را مستقل از علوم جدید و با استفاده از روش‌های تفسیری، هرمنوتیکی و اجتهادی درون دینی دریافت و در مرحله دوم است که ممکن است بتوان برای تبیین بهتر این پیام‌ها و آموزه‌ها از دستاوردهای علوم جدید مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و حتی علومى مانند فیزیک و شیمی استفاده کرد.

وی با ارائه مثالی برای نشان دادن نحوه به کار گرفتن این روش‌شناسی گفت: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا حَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند» (یونس/62). با بررسی‌های لغوی مشخص می‌شود که «خوف» معمولاً مربوط به نگرانی‌های آینده و «حزن» مربوط به ناکامی‌ها و مشکلات گذشته است. در واقع در این آیه گفته شده است که کسانی که رابطه‌شان با خدا رابطه اولیائی شود، نگرانی‌هایشان نسبت به آینده مرتفع می‌شود و حزنی از آن چه که از دست آن‌ها رفته یا به آنها نرسیده است، نخواهند داشت.

مدیرگروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با تطبیق مفاهیم خوف و حزن با مفاهیم اضطراب و افسردگی در روانشناسی بیان کرد: ما می‌بینیم که در مباحث روانشناسی جدید، نگرانی‌های آینده با مفهوم اضطراب توضیح داده می‌شود و گفته می‌شود که

اضطراب همان دلشوره‌ها و نگرانی‌هایی است که از مسائلی که مربوط به آینده و ترس‌های آینده است، ناشی می‌شود. همچنین آنچه که به ناکامی‌ها و مشکلات گذشته مربوط می‌شود، افسردگی است.

آذربایجانی اضافه کرد: بر این اساس می‌توان با تطبیق مفهوم خوف با اضطراب و حزن با افسردگی و مسائل و مباحث مرتبط با آن‌ها از دو مفهوم روانشناختی مذکور، برای تبیین بهتر مباحثی که در متون دینی آمده است، کمک گرفت.